

استفتاآت قضایی

جلد یکم

کلیات قضا - جزائیات

از مخبر مرجع عالیقدر

حضرت آية الله العظمى حاج شیخ یوسف صانعی مدظلہ العالی

صانعی، یوسف، ۱۳۱۶ -

استفتات قضایی / از: محضر مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی

حاج شیخ یوسف صانعی مد ظله العالی - تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲.

ISBN: 964-7896-97-2

(۳۳۶ ص. نشر میزان ۱۹۸۰)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

مدرجات: ۱. کلیات قضایا - جزائیات - ج. ۲.

۱. حقوق - فتاویا، ۲. فقه جعفری - رساله عملیه، ۳. فتاویای شیعه

- قرن ۱۲ الف عنوان

۲۹۷/۳۴۲۲

۷ الف ۲۵ ص ۹/۱۸۳ BP

۸۱۲-۲۶۸۳

کتابخانه ملی ایران

۱۹۸

نشر میزان

استفتات قضایی (جلد نخست)

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر

حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۲

شمار: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۳۹۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۸۹۶-۹۷-۲

کتابخانه حقوقی برتری ناشر محفوظ است

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ ایرانشهر، جنب مسجد جلیلی، پلاک ۳۴، طبقه سوم، واحد ۶، تلفن ۸۳۰۶۲۰۲
واحد پخش و فروش: نمایشگاه و فروشگاه تخصصی کتب حقوق و علوم سیاسی، انتشارات
دانشگاه تهران، نشر میزان، خ انقلاب، بین لاله زار و فرصت، پلاک ۶۰۵، تلفن و دورنویس ۸۸۲۵۳۸۶

فهرست مطالب

۱۷	 مقدمه
۱۸	 یکم: اجتهاد، حیات اسلام
۱۹	 دوم: اجتهاد جواهری
۲۱	 سوم: بالندگی فقه
۲۲	 چهارم: منطق و متانت اجتهاد شیعی
۲۳	 پنجم: فقه در عرصه مناسبات اجتماعی
۲۴	 ششم: اجتهاد و پرسش‌های نو
۲۶	 هفتم: نقش فقه در قضا و حقوق
۲۷	 هشتم: اصول و ملاک‌های حاکم
۲۸	 نهم: شاخصه کارآمدی فقه
۳۰	 دهم: ویژگی این مجموعه
۳۳	 ● بخش نخست: کلیات قضا و راه‌های اثبات دعوا
۳۵	 فصل اول: شرایط و وظایف قاضی
۳۵	 مبحث اول: شرایط قاضی
۳۵	 ۱. عدم شرطیت ذکوریت در قاضی
۳۸	 ۲. عدم شرطیت اجتهاد در قاضی

۴۲	۳. جواز قضاوت غیر مجتهد و لزوم عمل حسب قوانین شرعیه مصوبه
۴۲	۴. قاضی تحکیم
۴۵	۵. رجوع به قاضی غیر شیعه
۴۶	مبحث دوم: وظائف قاضی
۴۶	۱. وظیفه قاضی در موارد سکوت قانون
۴۷	۲. وظیفه قاضی در صورت مخالفت قانون با مشهور یا شرع
۴۸	۳. مسئولیت قاضی در صورت اشتباه (تقصیر)
۴۸	۴. قانون حاکم در دعوای غیر مسلمان
۴۹	۵. وضعیت رسیدگی به جرایم ایرانیان در خارج از کشور
۵۱	۶. فصل خصومت با انشای کتبی
۵۱	۷. دادرسی غیابی
۵۲	۸. مرور زمان در رسیدگی به دعاوی
۵۳	۹. تجدیدنظر خواهی
۵۴	۱۰. حبس مدعی اعسار
۵۵	۱۱. حکم به زندان یا تبعید به مدت نامعین
۵۷	مبحث سوم: مسائل مرتبط
۵۷	۱. توقیف اموال بدهکار توسط برخی از طلبکارها
۵۸	۲. هزینه‌های دادرسی
۵۸	۳. عدم جواز اجرای حکم در رسیدگی‌های خارج از صلاحیت دادگاه
۵۹	۴. هدیه به قاضی
۶۰	فصل دوم: راه‌های اثبات دعوا
۶۰	مبحث اول: اقرار
۶۰	۱. اقرار از روی تهدید
۶۱	۲. استفاده از نوار، فیلم، فاکس و... در اثبات دعوا
۶۴	مبحث دوم: شهادت
۶۳	۱. معیار در استماع شهادت شاهد

۶۳	۲. شهادت از روی عدم آگاهی
۶۴	۳. آثار شهادت از روی اکراه
۶۵	۴. تساوی زن و مرد در شهادت
۶۸	۵. شهادت غیر شیعه و اهل کتاب
۶۹	۶. ادای شهادت با کتابت
۶۹	۷. اعتبار نوشته‌های غیر رسمی
۶۹	۸. نظریه کارشناس
۷۰	۹. احقاق حق با توسل به وسایل متقلبانه
۷۰	۱۰. معیار جواز شهادت و قسم دروغ
۷۱	۱۱. راه اثبات اعسار
۷۲	مبحث سوم: علم قاضی
۷۲	۱. محدوده اعتبار و حجیت علم قاضی
۷۵	مبحث چهارم: سوگند
۷۵	۱. اثبات حق با سوگند
۷۶	۲. جایگاه سوگند در دعاوی کیفری
۷۷	۳. لفظ سوگند
۷۷	۴. شرطیت اذن مدعی در احلاف منکر
۷۸	۵. معنای عبارت «قول، قول اوست با قسمش»
۷۹	● بخش دوم: حدود
۸۱	فصل اول: کلیات حدود
۸۱	۱. اجرای حدود در عصر حاضر
۸۴	۲. مفهوم و قلمرو قاعده دَرء
۸۵	۳. مجازات حدی در صورت انکار بعد از اقرار
۸۵	۴. نفی بلد و امکان تبدیل به مجازات دیگر
۸۷	۵. جمع بین اعدام و سایر مجازات‌ها
۸۷	۶. چگونگی اجرای مجازات اعدام

۷. اجرای مجدد حکم اعدام، در صورت زنده ماندن محکوم به اعدام ۸۷
۸. قرار دادن معدوم در انتظار عمومی ۸۸
۹. اجرای حکم بر بیمار ۸۹
۱۰. تأخیر اجرای حد زن شیرده ۹۰
۱۱. تخفیف مجازات افراد زیر هجده سال ۹۱
۱۲. توبه مسقط حد ۹۴
- فصل دوم: حد زنا ۹۶
۱. تعریف حد زنا ۹۶
۲. عدم تأثیر استفاده از وسایل پیشگیری کننده در تحقق زنا ۹۶
۳. عدم صدق زنا در ازدواج موقت بدون اذن ولی ۹۷
۴. حکم زنای اکراهی ۹۷
۵. تقصیر قبلی زن در تحقق اکراه ۹۸
۶. عدم تأثیر رضایت بعدی زن در صدق زنای عنفی ۹۸
۷. ادعای اکراه در زنا ۹۹
۸. عدم تفاوت حکم قتل در زنای به عنف بین مسلمان و غیرمسلمان ۹۹
۹. پرداخت مهرالمثل در زنای به عنف ۹۹
۱۰. شرایط احصان ۱۰۰
۱۱. عدم تحقق احصان با عقد منقطع ۱۰۳
۱۲. موضوعیت داشتن اقرار بر اربعه برای اجرای حد زنا ۱۰۳
۱۳. عدم نفوذ اقرار تلقینی ۱۰۴
۱۴. تبدیل رجم به نوع دیگری از قتل ۱۰۴
۱۵. فرار از حفرة در مجازات رجم ۱۰۴
۱۶. سقوط حد زنا از شخص دیوانه ۱۰۵
۱۷. سقوط حد زنا در صورت توافق بر ازدواج ۱۰۵
۱۸. حکم ضفٹ در سایر مجازاتها ۱۰۶
- فصل سوم: حد لواط و قوادی ۱۰۷

۱. عدم اشتراط احصان در حدّ لواط ۱۰۷
۲. عدم حدّ لواط در اشخاص دیوانه ۱۰۷
۳. شمول توبه مسقط حدّ لواط به محارم نسبی ۱۰۸
۴. ۱. کراه در قوادی و محاربه ۱۰۸
- فصل چهارم: حدّ قذف و مسکوک ۱۱۰
۱. نحوه اسناد در تحقق حدّ قذف ۱۱۰
۲. اقرار به شرب خمر و ادعای توبه قبل از اقرار ۱۱۱
- فصل پنجم: حدّ محاربه ۱۱۲
۱. قلمرو محاربه و افساد فی الارض در خصوص جرایمی نظیر هواپیما ربایی و ۱۱۲
۲. شمول مجازات نفی بلد در حدّ محارب به زن ۱۱۳
۳. تشدید مجازات تبعید به حبس در محلّ تبعید ۱۱۴
۴. عدم جواز استفاده از داروهای مقاوم کننده در مجازات صلب ۱۱۴
۵. نقش توبه محارب در سقوط مجازات ۱۱۵
- فصل ششم: حدّ سرقت ۱۱۶
۱. معیار طلا یا نقره مسکوک در نصاب حدّ سرقت ۱۱۶
۲. سرقت اطلاعات سری کد شده و رمزدار ۱۱۷
۳. سرقت از مال مشاع ۱۱۷
۴. عدم تحقق اضطرار در باره سارقان معتاد به مواد مخدر ۱۱۸
۵. لزوم مقاومت در مقابل جانی یا سارق ۱۲۰
۶. اختلاف مالباخته و سارق در تعداد اموال ربوده شده ۱۲۱
۷. لزوم یا عدم لزوم مطالبه در قطع ید ۱۲۲
۸. تعدّد سرقت و مجازات آن ۱۲۳
۹. مجازات جایگزین حدّ سرقت ۱۲۴
۱۰. استفاده از داروی بی حس یا بی هوش کننده، هنگام اجرای مجازات ۱۲۵
۱۱. نقش عفو در سرقت حدّی ۱۲۵
۱۲. ملکیت، فروش و پیوند عضو مقطوع در سرقت ۱۲۶

فصل هفتم: حد ارتداد.....	۱۲۷
۱. تعریف مرتد و قلمرو آن.....	۱۲۷
۲. شرایط اجرای حکم مرتد.....	۱۳۰
۳. توبه مرتد.....	۱۳۰
● بخش سوم: قصاص.....	۱۳۱
فصل اول: تعیین نوع قتل.....	۱۳۳
۱. ارتکاب قتل با فعل مادی.....	۱۳۳
۲. ارتکاب قتل با فعل غیر مادی.....	۱۳۸
۳. خطای در تطبیق در قتل نفس.....	۱۳۸
۴. شرکت و معاونت در قتل.....	۱۳۹
۵. اکراه در قتل.....	۱۴۳
۶. ایراد ضرب و جرح یا قتل با رضایت مجنی علیه.....	۱۴۴
فصل دوم: شرایط قصاص.....	۱۴۵
۱. حکم قتل غیر مسلمان توسط مسلمان.....	۱۴۵
۲. اسلام آوردن کافر پس از ارتکاب قتل مسلمان.....	۱۴۵
۳. قتل فرزند پدر یا مادر.....	۱۴۶
۴. قتل فرزند نامشروع.....	۱۴۸
۵. قصاص پدر توسط فرزند.....	۱۵۰
۶. قتل کودک نامشروع.....	۱۵۱
۷. سقط و قتل جنین.....	۱۵۳
۸. قتل از روی ترحم.....	۱۵۵
۹. قتل در اثر دفاع.....	۱۵۵
۱۰. قتل مهدور الدم.....	۱۵۹
۱۱. قتل اسیر.....	۱۶۰
۱۲. قتل در فراش.....	۱۶۱
۱۳. جهل به حکم در قتل عمدی.....	۱۶۲

۱۴. اذن حاکم شرع در قصاص	۱۶۳
۱۵. عدم کفایت علم اجمالی نسبت به قاتل	۱۶۴
فصل سوم: راههای ثبوت قتل	۱۶۶
مبحث اول: اقرار	۱۶۶
مبحث دوم: شهادت	۱۷۲
مبحث سوم: قسامه	۱۷۳
۱. لزوم وجود ظن قوی برای اجرای قسامه	۱۷۳
۲. قلمرو قسامه	۱۷۵
۳. مقدار قسامه	۱۷۶
۴. قسامه در صورت نبودن ولی دم	۱۷۷
۵. کاربرد قسامه در اثبات جرم و رفع اتهام	۱۷۸
۶. تبرئه متهم در صورت عدم اتیان قسامه توسط اولیای دم و عدم رد آن به متهم	۱۷۸
۷. تساوی زن و مرد در اجرای قسامه	۱۷۹
۸. لزوم اتیان قسامه از روی یقین	۱۷۹
۹. لزوم مطالبه از سوی مدعی در اتیان قسامه توسط مدعی علیه	۱۷۹
۱۰. نصاب قسامه در جنایت بر اطراف	۱۸۰
مبحث چهارم: نقش قرعه در تعیین قاتل	۱۸۲
مبحث پنجم: اختلاف جانی و ولی دم	۱۸۴
فصل چهارم: کیفیت استیفای قصاص	۱۸۶
۱. اولیای دم	۱۸۶
۲. حدود اختیارات ولی دم	۱۸۸
۳. وظیفه قاضی در صورت صغیر یا کافر بودن اولیای دم یا عدم دسترسی به آنان	۱۹۲
۴. تساوی زن و مرد در استیفای قصاص	۱۹۳
۵. حکم فاضل دیه در قتل چند زن توسط یک مرد	۱۹۵
۶. انتخاب کننده نوع دیه در فاضل دیه	۱۹۶
۷. پرداخت فاضل دیه از بیت المال	۱۹۶

۸. ملاک در تداخل قصاص عضو در قصاص نفس ۱۹۷
۹. جمع بین قصاص و سایر مجازاتها ۱۹۷
۱۰. نحوه اجرای حکم قصاص ۱۹۷
۱۱. استفاده از داروهای بی‌هوش یا بی‌حس کننده هنگام اجرای مجازات ۱۹۸
۱۲. مدت بقای حق قصاص ۱۹۸
۱۳. تأخیر اولیای دم در اجرای قصاص ۱۹۹
۱۴. حدود اختیار حاکم شرع در استیفا یا تبدیل قصاص یا عفو ۲۰۶
۱۵. اسقاط حق قصاص توسط مجتبی علیه ۲۰۷
۱۶. عفو قاتل هنگام اجرای حکم ۲۰۸
۱۷. تبدیل قصاص نفس به قصاص عضو ۲۰۹
۱۸. خودکشی پس از ارتکاب قتل عمدی ۲۰۹
۱۹. ظهور علایم حیاتی پس از اجرای حکم اعدام یا قصاص ۲۱۰
۲۰. فروش اعضاء قبل از قصاص ۲۱۰
۲۱. کفاره قتل عمدی ۲۱۱
۲۲. جواز تعزیر قاتل عمدی در صورت عدم قصاص ۲۱۱
- فصل پنجم: قصاص عضو ۲۱۲
۱. لزوم مماثلت در قصاص اطراف ۲۱۲
۲. تبعیض در قصاص اطراف ۲۱۳
۳. تسری حکم قصاص دست به سایر اعضاء زوج بدن ۲۱۴
۴. عدم سقوط حق قصاص در صورت پیوند ۲۱۵
۵. حدود اختیارات ولی قهری در صدمات وارده بر صغیر ۲۱۶
۶. هزینه درمان پس از اجرای قصاص اطراف یا حد ۲۱۷
۷. ملکیت، فروش و پیوند عضو مقطوع در قصاص ۲۱۷
۸. عدم امکان اجرای قصاص عضو توسط مجتبی علیه و حاضر نشدن متخصصین فن برای اجرای قصاص ۲۱۸
- بخش چهارم: دیات ۲۲۱
- فصل اول: ماهیت دیه و آرش و برخی موارد آنها ۲۲۳

۱. ماهیت دیه و برخی موارد آن.....	۲۲۳
۲. ماهیت آرش و برخی موارد آن.....	۲۲۵
فصل دوم: مقدار دیه قتل نفس.....	۲۳۰
مبحث اول: دیه انسان و موضوعیت نداشتن اعیان سته دیات.....	۲۳۰
۱. مقدار دیه انسان.....	۲۳۰
۲. تساوی زن و مرد در دیه و آرش.....	۲۳۱
۳. تساوی دیه مسلمان با غیر مسلمان.....	۲۳۳
۴. موضوعیت نداشتن اعیان سته دیات.....	۲۳۴
مبحث دوم: محاسبه دیه و نحوه پرداخت آن.....	۲۳۶
۱. معیار محاسبه برای پرداخت دیه.....	۲۳۶
۲. عدم تداخل دیه کم در دیه زیاد.....	۲۳۸
۳. لزوم جبران خسارات روحی (غیر جسمی).....	۲۴۱
۴. لزوم جبران سایر آسیبهای وارده همراه با ضایعه اصلی.....	۲۴۳
۵. تأثیر درمان و پیوند عضو مقطوع در میزان دیه.....	۲۴۳
۶. حکم آرش زنان در بیش از ثلث دیه.....	۲۴۴
۷. انتخاب کننده نوع دیه.....	۲۴۵
۸. نحوه تقسیم دیه.....	۲۴۷
مبحث سوم: تغلیظ دیه و قلمرو آن.....	۲۴۸
مبحث چهارم: خسارات زاید بر دیه.....	۲۵۰
مبحث پنجم: مهلت پرداخت دیه و آرش.....	۲۵۲
فصل سوم: مسئول پرداخت دیه.....	۲۵۴
۱. مسئول پرداخت دیه در موارد علم اجمالی.....	۲۵۴
۲. مسئولیت جمعی در صورت شرکت در ایجاد ضرب و جرح.....	۲۵۵
۳. مسئولیت اشخاص حقوقی در پرداخت دیه.....	۲۵۶
۴. مسئولیت کارفرما در پرداخت دیه.....	۲۵۶
۵. تعریف عاقله و مسئولیت آن در پرداخت دیه.....	۲۵۹

۶. پرداخت دیه از بیت المال..... ۲۶۲
۷. ضامن بودن صبی ممیز..... ۲۶۳
۸. اعسار در پرداخت دیه..... ۲۶۳
۹. خودداری عاقله از پرداخت دیه..... ۲۶۴
۱۰. جواز حبس شخص ممتنع از پرداخت دیه..... ۲۶۴
۱۱. حدود اختیارات ولی یا قیم در دیه، قصاص و عفو..... ۲۶۶
۱۲. رضایت مجنی علیه در عملیات ورزشی (عوامل موجهه جرم)..... ۲۶۸
۱۳. عدم تأثیر عفو مجنی علیه نسبت به ایجاد خسارات جدید بر اثر سرایت..... ۲۶۸
- فصل چهارم: موجبات ضمان (مباشرت ، تسبیب، اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب)..... ۲۷۰
۱. قتل دیگری در حال خواب..... ۲۷۰
۲. مسئولیت پزشک در برابر آزمایشهای پزشکی روی بیمار..... ۲۷۱
۳. اشتراک در جنایت و مسئولیت تناسبی..... ۲۷۱
۴. تسبیب در جنایت..... ۲۷۴
۵. اجتماع سبب و مباشر و یا اجتماع چند سبب..... ۲۷۶
۶. درجه تقصیر یا تأثیر در میزان مسئولیت..... ۲۸۰
- فصل پنجم: دیه اعضا، جراحات، لطامات، سقط..... ۲۸۴
- جنین و جنایت بر مرده..... ۲۸۴
- مبحث اول: دیه یا ارزش اعضا..... ۲۸۴
۱. دیه مو (دیه تراشیدن موی سر زن و مرد)..... ۲۸۴
۲. دیه چشم (آرش به دلیل پارگی قرنیه چشم)..... ۲۸۴
۳. دیه انداختن دندان طفل..... ۲۸۵
۴. دیه بندهای انگشتان دست و نحوه محاسبه آن..... ۲۸۶
۵. عدم تأثیر میزان کارایی و ارزش عضوی در تعیین دیه انگشتان..... ۲۸۷
۶. دیه و آرش صدمه بر بیضه..... ۲۸۹
۷. نحوه تعیین آرش ازاله بکارت..... ۲۸۹
۸. دیه حس بویایی..... ۲۹۱

۹. عدم تفاوت بین اعضای ظاهری و باطنی.....	۲۹۱
مبحث دوم: دیه استخوانها.....	۲۹۳
۱. شکستگی استخوان و جدا شدن نکه‌ای از آن.....	۲۹۳
۲. دیه شکسته شدن استخوان درشت‌نی و نازک‌نی.....	۲۹۴
۳. شکسته شدن استخوان ساق پا همراه با خونریزی.....	۲۹۴
۴. دیه شکستگی استخوان همراه با نقص عضو.....	۲۹۵
۵. جرح و شکستگی در محل‌های متعدد.....	۲۹۶
۶. عدم تفاوت بین شکسته شدن ستون فقرات و جدا شدن آنها.....	۲۹۷
۷. دیه یا آرش در استخوان کف دست یا پا.....	۲۹۷
۸. دیه شکسته شدن استخوان کتف و بازو.....	۲۹۸
۹. دیه شکستن استخوان بینی.....	۲۹۸
مبحث سوم: دیه جراحات و لطامات.....	۲۹۹
۱. تفاوت دیه سر و صورت با دیه ضربات وارده با سایر جاهای بدن.....	۲۹۹
۲. دیه سمحاق.....	۲۹۹
۳. صدمات وارده به زیر چانه و ترقوه.....	۳۰۰
۴. خسارات حاصله در گوش، زیر چانه، زیر لب، داخل بینی و دهان.....	۳۰۱
۵. دیه جراحت گردن.....	۳۰۱
۶. دیه جراحتی که به درون بدن انسان وارد می‌شود.....	۳۰۱
۷. دیه تغییر رنگ.....	۳۰۲
۸. آرش نقص زیبایی و تغییر در لحن گفتار.....	۳۰۳
۹. موضوعیت نداشتن شتر و دینار در دیه جراحات.....	۳۰۵
مبحث چهارم: سقط جنین.....	۳۰۶
۱. مقدار دیه سقط جنین.....	۳۰۶
۲. دیه سقط جنین نامشروع.....	۳۰۸
۳. دیه سقط جنین غیرمسلمان.....	۳۰۹
مبحث پنجم: دیه جنایت بر مرده.....	۳۱۰

- بخش پنجم: تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده..... ۳۱۱
- تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده..... ۳۱۳
۱. ملاک تعزیر توسط حکومت..... ۳۱۳
۲. قلمرو تعزیر..... ۳۱۳
۳. نوع و مقدار تعزیر..... ۳۲۳
۴. روش رسیدگی در جرایم موجب تعزیرات حکومتی..... ۳۲۶
۵. مبادله محکومین به حبس بین کشورها..... ۳۲۷
۶. معاونت و مشارکت در خودکشی..... ۳۳۱
۷. معاونت در جرم..... ۳۳۲
۸. عفو در جرایم تعزیراتی..... ۳۳۲
۹. تعزیر در جرایم حق الناسی علی رغم گذشت شاکی..... ۳۳۲
۱۰. تسری قاعده درء و تسری عدم قسم در حد به تعزیرات..... ۳۳۳
۱۱. شرطیت بلوغ یا تمیز در مسئولیت کیفری..... ۳۳۴
۱۲. اقدام تأمینی برای جلوگیری از جرم..... ۳۳۵

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

ان الله تبارك و تعالى لم يدع شيئاً تحتاج اليه الامة الى يوم القيام الا أنزله في كتابه و بينه لرسوله ﷺ و جعل لكل شيء حداً و جعل عليه دليلاً يدلّ عليه و جعل على من تعدّى الحدّ حداً^۱. خدای تبارک و تعالی هیچ یک از نیازهای امت تا روز قیامت را نبوده است که در کتابش نازل و برای پیامبرش هم بیان نکرده باشد. خداوند برای هر چیزی حد و اندازه‌ای قرار داد و بر آن نشانه و راهنمایی گذاشت که بر آن راهنمایی کند و بر هر کسی نیز که از آن حد بگذرد، حدّی قرار داد.

حضرت امام محمد باقر ﷺ

مجموعه‌ای که پیش روست هر چند کتاب فتوایی است که با هدف بیان احکام شرعی فراهم آمده، اما ویژگی موضوع، وزانت علمی و شیوه پاسخگویی، آن را از سطح یک کتاب عمومی، به یک اثر فقهی فتوایی درآورده، تا راهگشای صاحب نظران، کارشناسان،

دست اندکاران قضا و حقوق، بویژه قضات عالی قدر باشد. از این رو و به فراخور خوانندگان فرهیخته، چند نکته به عنوان پیشگفتار ارائه می‌شود:

یکم: اجتهاد، حیات اسلام

اسلام که اساس و چارچوب آن را کتاب و سنت و درک درست عقل تشکیل می‌دهد، همان گونه که در حدیث یاد شده آمده، در عرض، تمام نیازهای معرفتی، عملی و اخلاقی آدمی در زندگی فردی و سلوک اجتماعی، و در طول، تا واپسین روز زندگی انسان در این حیات را در بر می‌گیرد و پاسخگوی نیازهای وی است و این یکی از باورهای تردیدناپذیر اسلامی است که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده و عقل نیز که زیربنای پذیرش دین و شریعت است بر این حقیقت گواهی می‌دهد. فقه به معنای خاص آن، به عنوان یکی از سه بخش اصلی دین عهده‌دار تبیین تکالیف و رفتار آدمی در زندگی فردی و اجتماعی و ترسیم مناسبات فرد و جامعه است که در بخش خود یعنی حوزه «عمل» همان ویژگی را دارد. از این رو، عهده‌دار همه نیازهای انسان در تمام دوران می‌باشد و به تعبیر حضرت امام خمینی (سلام الله علیه): «فقه، تئوری اداره انسان از گهواره تا گور است». اجتهاد شیعی که از یک سو برخاسته از سخن پیامبر اکرم ﷺ: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» و از سوی دیگر بر بالهایی از جنس «العلماء و رثة الانبیاء» و «الفقهاء اماناء الرسل» و «الفقهاء حصون الاسلام» مسیر طولانی خویش را به زیبایی و استواری تمام و با چهره‌ای تابناک پیموده، اینک بزرگترین سرمایه علمی معنوی را پیش روی ما به ویژه در دستان با کفایت فقهای عظام قرار داده است. به گونه‌ای که به تعبیر امام خمینی (سلام الله علیه): اسلام اگر خدای نخواست همه چیز از دستش برود ولی فقهش به طریقه موروث از فقهای بزرگ بماند، به راه خود ادامه خواهد داد، ولی اگر همه چیز به دستش آید و خدای نخواست فقهش به همان طریقه سلف صالح از دستش برود، راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهی خواهد کشید.^۱

خاستگاه تفقه شیعی، کتاب و سنت و عقل از یک سو، و انفتاح باب اجتهاد در چارچوب موازین فقاها و روش فقهای سلف، دو ویژگی «سنتی» و «پویایی» آن را به

دست می‌دهد و این چنین است که فقه همواره زنده است و می‌تواند با حفظ اصالت و موازین و مبانی خود در منبع و در روش، پاسخگوی نیازهای حال و آینده باشد.

دوم: اجتهاد جواهری

اگر فقیه برجسته و وارسته‌ای چون حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)، از یک سو بر اجتهاد جواهری تأکید می‌فرماید و از سوی دیگر پویایی اجتهاد را یادآور می‌شود، درست از همین نقطه است که فقاہت جواهری در ذات خود پویایی و حیات را داراست و اجتهاد جواهری یک مثال گویا و نمونه برتر در اجتهاد شیعی است، و نه منحصر در آن فقیه فرزانه؛ چرا که همین ویژگی را پیش از وی در فقاہت و اجتهاد شیخ مفید و شیخ الطائفه و سید مرتضی گرفته تا ابن ادریس و محقق حلی و علامه حلی و شهید اول و شهید ثانی و محقق ثانی و تافیه والامقامی چون محقق اردبیلی و محقق سبزواری و نراقی اول و دوم و فاضل هندی - که مأخذ عمده‌ای برای صاحب جواهر به شمار می‌رود - و کاشف الغطاء و محقق قمی و دهها فقیه نامی دیگر و پس از وی در فقاہت پرآوازه شیخ اعظم انصاری و محقق یزدی و میرزای نائینی و محقق خراسانی و محقق بروجردی و حضرت امام خمینی (قدس الله اسرارهم) و دهها فقیه فرزانه در دوره متأخر و معاصر وجود دارد و هنر و ارزش فقاہت فقہایی چون فقیه روشن بین، حضرت آية الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی (دام ظلّه) نیز همین است که در چارچوب موازین اجتهاد شیعی و فقاہت جواهری و با بهره جستن فقیهانه از همین خصلت ذاتی توانسته‌اند از یک سو، تحلیلهای اجتهادی و آرای فقهی متفاوت و گاه راهگشایی در سطح استدلالهای فقهی و در مقام افتاء ارائه کنند بدون آنکه از ارزش تلاش فقهی و حرمت جایگاه دیگر فقیهان کاسته شود، و از سوی دیگر، مسائل تازه و پرسشهای نوپیدای بسیاری را که عصر جدید و تحولات علمی اجتماعی کنونی پیش روی بشر گذاشته پاسخ بگویند و برای مشکلات موجود و واقعیت‌های جاری زندگی مردم و جوامع چاره‌اندیشی کنند.

این مهم همواره خواسته و آرزوی استادان و فقیهان متقدم بوده است که فقه‌های دیگر و نسلهای فقهی که در پی هم می‌آیند، فقه را هر چه بیشتر در عرض و عمق

گسترش دهند و بر تحقیقات بیفزایند، و الا پدید آمدن هزاران اثر ارزشمند فقهی که اینک سرمایه بزرگ جهان اسلام به ویژه حوزه‌ها و جوامع شیعی است، صورت واقع نداشت. درست از همین نقطه است که فقیه نام‌آوری چون حضرت امام خمینی (سلام الله علیه) به علما و مدرّسان تأکید می‌کنند: «کوشش نمایند که هر روز بر دقت‌ها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد».^۱ و اساساً فلسفه لزوم تقلید از مجتهد زنده و نیز فتح باب اجتهاد را باید از جمله در همین نکته جست که هم تضمینی برای حیات و توسعه و پویایی فقه باشد و هم امکان پاسخگویی به نیازهای روز و رابطه زنده، مستقیم و ملموس فقیه با مسائل و نیازهای جامعه وجود داشته باشد و به تعبیر فقیه شهید آیه الله مرتضی مطهری: «اساساً رمز اجتهاد در تطبیق دستورات کلی با مسائل جدید و حوادث متغیر است. مجتهد واقعی آن است که این امر را به دست آورده باشد و توجه داشته باشد که موضوعات چگونه تغییر می‌کند، و بالتبع حکم آنها عوض می‌شود، و الا تنها در مسائل کهنه و فکر شده فکر کردن و حداکثر یک «علی الاقوی» را تبدیل به «علی الاحوط» کردن و یا یک «علی الاحوط» را تبدیل به «علی الاقوی» کردن هنری نیست و این همه جار و جنجال لازم ندارد».^۲

اگر حضرت آیه الله صانعی در میان فقهای گذشته، عنایت ویژه و اهتمام بسیار زیادی به روش اجتهادی محقق اردبیلی، صاحب کتاب بسیار ارزشمند و مبسوط «مجمع الفائدة و البرهان» دارند و این پرسش را بارها مطرح کرده‌اند که چرا این اثر ارزشمند فقهی جایگاهی در سطح شایسته خود در محافل فقهی و حوزوی باز نکرده است، و اینک چند سال است که نگارش تعلیقه‌ای استدلالی بر این کتاب و چاپ دوباره آن را یکی از محورهای تلاش خود قرار داده‌اند، ناشی از همین نگاه به اجتهاد و نوآوری و حریت در رأی است که در فقاہت آن فقیه مقدس و نام‌آور وجود داشته است.

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۹.

۲. ده گفتار، ص ۹۸.

سوم: بالندگی فقه

این همه تأکید بدان خاطر است که ارزش واقعی اجتهاد و مجاهدت‌های فقهی را باید در جاهایی جست که فقیه، در چارچوب اجتهاد جواهری که یک نمونه برتر از اجتهاد شیعی به شمار می‌رود با بهره‌گیری عالمانه از همان خصلت ذاتی اجتهاد، توانسته باشد دستاورد فقهی متفاوتی ارائه کند و یا برای مسائل و پرسش‌های نوپیدا پاسخ شرعی و راهکار فقهی قابل دفاعی به دست دهد. چنین فقهایی را باید ستود و دستاوردهای آنها را ارج بیشتر نهاد، و الا راههای رفته و مسیرهای هموار، معلوم است که در مقایسه با مسیرهای تازه و دشوار زحمت چندانی نخواهد داشت. و از همین نقطه است که تولید علم و گسترش تحقیقات معنا پیدا می‌کند، و الا تکرار مکررات است که البته ارزشمند است ولی ارزشی به پایه تولید و تحقیق نخواهد داشت.

طبعاً و از این منظر، آن دسته از فقیهانی که بیش از دیگران فقاقت و تواناهایی‌های اجتهادی خویش را در این سطح و در چنین عرصه‌هایی بروز می‌دهند و با پشتوانه دهها سال تحصیل و تدریس و تحقیق و ژرف‌اندیشی و جامع‌نگری و شناخت درست و کافی از موضوعات، دستاوردهای فتوایی خویش را در سطح حوزه و جامعه عرضه می‌کنند، باید در جایگاهی برتر و تلاش اجتهادی آنها از ارزش فزون‌تری برخوردار باشد، حتی اگر برخی یا هیچ یکی از استنتاج‌های فقهی آنها مورد پذیرش فرد و یا گروه قرار نگیرد و به بونه نقد عالمانه سپرده شود. این تأکید برای فرزندان حوزوی و آشنایان به روش و منش فقهای برجسته و وارسته، سخن تازه‌ای نیست و همگان می‌دانند که روش حوزه‌ها و سولک فقهای ما بر همین اصل شکل گرفته و همواره به نظرات دیگران از جمله به آرای تازه، به دیده احترام و اهتمام نگریسته شده و اگر گاه در گوشه و کنار، برخی به هر دلیل شرح صدر لازم را نشان نداده و به خرده‌گیری غیر عالمانه پرداخته و روش متین و اصلی را نادیده گرفته و یا از یاد برده‌اند، اما این موارد هیچ گاه و در دراز مدت نتوانسته رویه تازه‌ای را در مواجهه با نظرات دیگران و آرای جدید به وجود آورد و به هر حال، اگر برخی از مبتدیان و متوسطان در فقه، فتاوا و دیدگاه‌های تازه را بر نتافته‌اند اما این نظرات نوعاً توانسته در طول زمان، جایگاه خویش را میان

آرای موجود پیدا کند و لافل در ردیف دیگر گفته‌ها و فتاوا مطرح و ارزیابی گردد.

چهارم: منطق و متانت اجتهاد شیعی

امروزه اگر عمل شیعه در جهان دارای منطق برتر و عمل ستوده‌تر است و در برابر تحدیات فکری، علمی، حقوقی و اخلاقی، الگوهای برتر و نمونه‌های قابل درک و دفاعی را پیش روی جهانیان می‌گذارد، خاستگاه آن این است که بر اساس قرآن و عترت و بر پایه اجتهاد درست سخن می‌گوید و منطق ثقلین اگر برای جوامع بشری که از طبع اولیه و هدایت عقلانی خویش فاصله نگرفته‌اند درست تبیین و ارائه گردد قابل درک و پذیرش است، و بر اساس همین عقلانیت و تفقه جامع نگر است که عالمان و فقیهان مامی‌توانند در چارچوب مفاهیمی مشترک، میان بشر امروز سخن بگویند؛ مفاهیمی که همه جوامع بشری و وجدان‌های انسانی بر آن آگاهی و اذعان دارند و بر آن تفاهم کرده‌اند از این رو و با این توجه مایه شگفتی نخواهد بود که در یک اثر کاملاً فقهی و یک متن حوزوی در قالب استفتاء و افتاء که پیش روی دارید، مفاهیمی جهانی - انسانی چون حقوق انسان، عدالت، نفی تبعیض، کرامت و حرمت انسان، امنیت فردی و اجتماعی و جهانی، آزادی، وفای به پیمان، حقوق زن، مساوات در برابر قانون، حقوق معنوی و امثال آن که مفاهیمی شناخته شده در جهان‌اند و همه ریشه در قرآن و سنت دارند به عنوان بخشی از مبانی فقهی، نظرات و احکام مشاهده شود و مورد استدلال و اهتمام قرار گیرد.

اجتهاد شیعی با همین منطق و مبانی است که در عرصه عمل حتی در سطح جهانی، آنجا که مسائل عام جهانی و مرتبط به امنیت و صلح و مبارزه با بی‌عدالتی و حقوق ملت‌ها و حرمت بی‌گناهان مطرح است، به زیبایی و استواری تمام میان منطق جهادی و عدالت خواهانه خویش و سلوک انسانی و امنیت اجتماعی و خشونت زدایی چارچوب و رابطه‌ای درست و قابل دفاع برقرار می‌کند و ظلم و جنایت نسبت به حقوق انسان‌ها را در هر سطحی که باشد مردود می‌شمارد؛ چه از سوی قدرتها و دولت‌های شناخته شده و چه از سوی گروه‌های خشونت محور و طرفداران و عاملان ترور. اجتهاد شیعی با منطق انفتاح باب علم، هم زمینه گسترش علوم اسلامی و معارف دینی را فراهم ساخته و هم ظرفیت

پذیرش دیدگاه‌ها و شرح صدر علمی جامعه به ویژه نخبگان و فرهیختگان را بالا برده و مشروعیت بخشیده است، و هم در مقام التزام‌های قلبی و معرفتی و هم در عرصه عمل، به ویژه در اعمال فردی. البته روشن است مدیریت جامعه و کشورداری نیازمند وحدت رویه و ضوابط و چارچوب‌های هماهنگ و فراگیر است و آنچه عهده‌دار این مهم است «قانون» می‌باشد که باید بر جامعه حاکم باشد و طبعاً این امر حیاتی نمی‌تواند محدود به برداشت علمی این فرد یا آن فرد خاص باشد.

پنجم: فقه در عرصه مناسبات اجتماعی

آنچه بیش از همه، مناسبات اجتماعی و روابط میان بشر و حوزه تصرفات آدمیان را شکل می‌دهد و حوزه تصرفات انسان را ترسیم می‌کند حقوق فردی و اجتماعی، حقوق جزایی و مقررات و چارچوب‌های قضایی است، که در واقع ضامن اجرای درست قانون است. فقه اسلامی نیز که عهده‌دار بیان احکام و مقررات شرع مقدس می‌باشد بیشتر بخش‌ها و مسائل آن مربوط به همین قسمت است. بر اساس یک تعبیر رایج که احکام فقهی به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم می‌شود، عبادات حداکثر به ده کتاب فقهی محدود می‌گردد، در حالی که بخش معاملات نزدیک به چهل کتاب فقهی را شامل می‌شود. محقق حلی نیز در کتاب بسیار ارزشمند و محوری خود «شرایع الاسلام» در یک تقسیم ثنائی و منطقی، فقه را به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم می‌کند و با همین تقسیم‌بندی، اجمالاً نشان می‌دهد که حدود سه چهارم فقه را مباحث و مسائل و احکامی تشکیل می‌دهد که امروز زیر عنوان «حقوق» با شاخه‌های مختلف آن، قرار می‌گیرد.

به تعبیر دیگر، دنیا مزرعه آخرت است و هدف نهایی بعثت پیامبران الهی نیز هدایت انسان به سعادت جاودانه است، و شکل دهی رابطه انسان با خدای متعال، با خود، با طبیعت و با جامعه، دستور کار آنان بوده است، ولی معلوم است که هر دنیایی نمی‌تواند کشتگاه آخرت باشد. هر جامعه‌ای اگر بر اساس مناسبات الهی - انسانی از جمله نظام حقوقی درستی که پیامبران علیهم‌السلام و در رأس آنان و خاتم آنان پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منادی آن

بوده‌اند تنظیم نشود و آدمیان به این نظرات و چارچوب‌های حقوقی تن ندهند، انتظار اینکه آن جامعه (دنیا) خاستگاه و بستر مناسبی برای تأمین سعادت جاودانه (آخرت) باشد، انتظاری دور از واقع است. یک جامعه حتی اگر به سعادت محدود و منقطع زندگی مادی و دنیایی خویش نیز اهتمام داشته باشد و آن را مقدمه خوشبختی جاودانه خویش بشمارد یا آن را کم رنگ سازد، اما تردیدی نیست در دستیابی به همان صلاح و سعادت محدود نیز، نیازمند همین مقررات و چارچوب‌ها می‌باشد و درست از همین نقطه است که هر جامعه‌ای حتی اگر به رفتار فردی و سلوک شخصی و زندگی خصوصی افراد نظری نداشته باشد، اما مناسبات عمومی و روابط اجتماعی را که بر اساس مصالح عمومی شکل گرفته، برای همه افراد جاری و حاکم می‌شمارد.

ششم: اجتهاد و پرسش‌های نو

گسترش مناسبات اجتماعی به گونه عام و تحولات گسترده‌ای که امروزه در عرصه‌های مختلف اجتماعی و روابط جهانی به وجود آمده، زندگی‌های بسیط و مناسبات محدود دیروز را دچار پیچیدگی‌ها و لایه‌ها و ابعاد مختلفی کرده و زمینه‌های گسترده‌ای را برای طرح مسائل تازه فراهم ساخته و حوزه‌های علمیه و مشخصاً اجتهاد شیعی را به ویژه در حوزه‌های حقوقی و اجتماعی مواجه با پرسش‌های فراوان کرده است.

طرح سؤال و آنچه با تعبیر «استفتاء» از آن نام برده می‌شود برای مجامع علمی یک فرصت و نعمت است. تاریخ علمی حوزه‌های اجتهادی شیعه به خوبی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از دستاوردها و آثار علمی و فقهی، نتیجه همین پرسش‌ها بوده است که در زمان خود وظیفه مکلفان و مقلدان را مشخص می‌کرده و در طول زمان سرمایه علمی حوزه‌ها به شمار می‌رود. سرازیر شدن استفتاهای حقوقی و قضایی با توجه به مناسبات اجتماعی و ارتباطات اینترنتی یک فرصت استثنایی برای حوزه‌های فقهی بوده و هست؛ هم برای فقیهان و عالمان، و هم برای پرسشگران حقیقی و حقوقی که در پی راهکارهای شرعی و دینی می‌باشند. اما پیداست که در این میان، سطح بهره جستن از این فرصت به سطح علمی و کارایی و راهگشایی پاسخ‌ها، با فهم درست سؤال (شناخت موضوع)،

روشن بینی، سلطه علمی و قوت و جامعیت اجتهاد افراد رابطه مستقیم دارد. طرح سؤال مبتنی بر شناخت موضوع است و سؤال کننده پرسش خود را بر اساس تصور و شناختی که از این موضوع دارد شکل می دهد و با انتقال آن در واقع تولید مسئله می کند. مجتهدی می تواند مسئله را در بوثه اجتهاد خویش قرار دهد و با آن محک زند که شناخت کافی از موضوع داشته باشد. این شناخت در بسیاری موارد باید از سطح تصور و شناخت ابتدایی و اجمالی سؤال کننده فراتر رود و دیگر ابعاد و مناسبات پیچیده موضوع را که چه بسا مورد توجه سؤال کننده نبوده در بر می گیرد و این نکته بسیار مهم و حتی گاه تعیین کننده ای در پرسش و پاسخ می باشد. حتی گاه حالات روحی و شخصی سؤال کننده نیز در نوع جواب دخالت دارد.

اگر برخی فتاوا خود پرسش ها و مشکلاتی را پدید می آورد، یکی از دلایل آن ناشی از شناخت ناقص موضوع است، و یک وجه تمایز و ملاک ارزش گذاری مجموعه های استفتا نیز همین امر است. اگر مجموعه ارزشمندی که پیش رو دارید، هم حجم گسترده و متنوع و کم نظیری از سؤالات را در بر دارد، هم در پاسخ ها به جوانب مختلف موضوعات توجه عالمانه شده است، و هم پاسخ ها علاوه بر قوت اجتهاد و روشن بینی و ممارست زیاد و تلاش های بسیار که حضرت آیه الله صانعی در نگاه مستقل و مباشر و مسائل و منابع فقهی دارند، برخاسته از تلاش وافر ایشان در شناخت درست موضوع است که حضور عملی ایشان در بخشی از عرصه های حقوقی و قضایی این شناخت را تقویت کرده است. تنها نگاه به فهرست مسائل این مجموعه و مرور اجمالی پاسخ های فقیهانه آن، یادآور مجموعه ارزشمند «جامع الشتات» است که از فقیه برجسته و جامع نگر و بسیار دقیق دوره متأخر حضرت آیه الله مرحوم میرزای قمی «قدس سره» بر جای مانده است.

همین خبرگی و فقاقت راهگشاست که این حجم از استفتاهای متنوع و بالارزش را به سوی محضر فقهی ایشان روانه می کند و اینک پس از چند سال مجموعه ای کارگشا و ارزشمند را پیش روی صاحب نظران، پژوهشگران، حقوقدانان، وکلا، دست اندر کاران قانون و قضا و اجرا، مقلدان و حتی جویندگان پرسش فقهی می گذارد؛ مجموعه ای که به خوبی می تواند حقوقدانان و متولیان امر قضا در سطوح مختلف حقوقی و کیفری را کمک

کند و در پاره‌ای موارد راهگشای پیچیدگی‌ها و دشواری‌های موجود آنان باشد.

هفتم: نقش فقه در قضا و حقوق

آشنایان به فقه و حقوق می‌دانند که قوانین و مقررات حقوقی کشور - چه در بخش مدنی و چه جزایی و چه آیین دادرسی -، یا مستقیم از فقه گرفته شده یا در چارچوب موازین و مبانی فقهی و شرعی تهیه شده است و اگر عرف‌های جاری و اعتبارات عقلایی و بناگذاری‌های اجتماعی نیز بخشی از منابع قانونگذاری است، اما معلوم است که در محدوده شرع و با این پیش شرط بوده است که مخالفتی با موازین فقهی و شرعی ندارد. بنابراین، اساس مقررات و قوانین یاد شده، فقه و احکام شرعی است. علاوه بر این حتی در سطح قانون اساسی کشور و به عنوان یک اصل در آیین دادرسی، پیش‌بینی شده است که «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید، و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

بر این اساس، می‌توان به رابطه تنگاتنگ فقه و حقوق از یک سو، و فقه و قضا از سوی دیگر پی برد. اگر در این مجموعه، پرسش‌های عالمانه و کارشناسانه متعددی می‌یابیم که نشان می‌دهد از سوی کارشناسان امر حقوق و قضا و محاکم و قضات محترم و اطراف دعوا طرح شده، به خاطر همین نیاز مستمر است که از جمله در بخش قضا در قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده و دست‌اندرکاران امر قضا را در سطوح مختلف، نیازمند فقها و مراجعی چون حضرت آیه الله صانعی می‌کند، که از یک سو توانایی‌ها و برجستگی‌های اجتهادی و فقهی، فتاوی ایشان را در طراز فتاوی معتبر قرار می‌دهد، و از سوی دیگر آشنایی نزدیک ایشان به موضوع قضا و حقوق جزایی و مدنی و تجربه و مهارتی که در این زمینه داشته‌اند، بسیار راهگشا است؛ و از سوی دیگر و به عنوان یکی از ویژگی‌های این مجموعه، استدلالها و مستندات است که هر چند به اجمال، در بسیاری از پاسخ‌ها به شیوه همیشگی معظم له آمده است و برای قضات محترم و کارشناسان امر قضا، در

دستیابی به نظر نهایی فقهی و حتی در تشخیص برخی موضوعات و تطبیق موارد، بسیار سودمند است.

هشتم: اصول و ملاک‌های حاکم

آشنایی با نگاه اجتهادی و مبانی فقه‌ای حضرت آیه الله العظمی صانعی و آثار فقهی ایشان از جمله این مجموعه ارزشمند به خوبی نشان می‌دهد که معظم له در کنار چارچوبها و موازین عام اجتهاد جواهری، به برخی مبانی و اصول معرفتی و فقهی به مثابه اصول حاکم و تعیین کننده، توجه و اهتمام ویژه دارند و آنها را پایه‌های ثابت منظومه فکری حوزه فقهی خویش می‌شمارند و همین ویژگی کلی است که برخی از فتاوی ایشان را به ویژه در مناسبات اجتماعی و حقوقی، از دیگر تلاش‌های فقهی و دستاوردهای اجتهادی متمایز و برجسته می‌سازد. طبعاً ارزیابی فتاوا و دیدگاه‌های فقهی ایشان نیز باید با لحاظ همین اصول و معیارها صورت پذیرد و از آن نقطه شروع شود. برخی از آن نکات اینهاست که به اختصار و بدون ذکر مستندات عقلی یا نقلی آن بازگو می‌شود:

الف) همه انسانها دارای حرمت و کرامت‌اند و از ارزش و حقوق انسانی برخوردارند و هیچ کسی نمی‌تواند اعتقادات خویش را مجوز تعرض به حقوق دیگران و تصرف در شئون مادی، معنوی، فردی یا اجتماعی آنان بشمارد. جان و مال و عرض و آبرو و آزادی و حقوق انسانی همه انسانها باید مصون بماند و استثنایها و تخصیص‌ها نیز امری فراگیر و عام است و اعتقادات در آن نقشی ندارد. به عنوان مثال، همان گونه که غیبت و تهمت نسبت به شیعه جایز نیست، نسبت به دیگران نیز - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - جایز نیست و اگر مواردی به عللی جایز باشد، نسبت به همه است.

ب) عدالت یک اصل حاکم و ارزش انسانی و فراگیر و جهانی است و اعتقادات و جنسیت و قومیت دخالتی در آن ندارد و نمی‌تواند آن را مقید و محدود سازد و همان گونه که آیه الله شهید مطهری نیز تأکید کرده، اصل عدل از مقیاس‌های اسلام است و در سلسله علل احکام می‌باشد. بنابراین، هیچ حکم شرعی نمی‌تواند با این اصل در تعارض باشد و هیچ اجتهادی نمی‌تواند خلاف آن را تجویز کند.

ج) در عین ضرورت تعبد به احکام شرعی و دستورات الهی، این امر مانع از بهره جستن از عقل و اصول عقلانی و دستاوردهای عقلی در محدوده‌ای که عقل آدمی مجاز به ورود است نمی‌شود، چرا که اساس پذیرش دین، عقل است و یکی از تأکیدات و ارشادات مکرر قرآن و سنت توجه به این منبع بی‌کران و استفاده از آن است. بسیاری از احکام شرعی به ویژه در محدوده حقوق قضا و جزا، همانهاست که امت‌ها و جوامع غیر اسلامی نیز آن را اجمالاً دارند و شرع مقدس تأسیس مستقلی نداشته است. جوامع مختلف به اقتضای احکام عقل «عملی» یا با اعتبارات عقلایی و نیازهای روزمره خویش آنها را در طول تاریخ به وجود آورده یا پذیرفته‌اند. عقل اگر به عنوان یک منبع مستقل در کنار کتاب و سنت و اجماع مطرح می‌شود، باید در فقه نیز عملاً جایگاه خود را داشته باشد.

د) قاعده نفی حرج، حکمی قطعی است که فقهای اسلامی به آن اذعان دارند و در اجتهاد خویش به عنوان یک اصل پذیرفته‌اند. اما سعه و ضیق این قاعده نکته‌ای است تعیین کننده. اگر چنان که آیاتی چند و روایاتی بسیار گواه است، پذیرفتیم اساس تشریع بر نفی حرج و عسر و مشقت است و حرج نیز همانند دیگر مفاهیم عرفی است که شرع مقدس تعریف جداگانه‌ای از آن ارائه نکرده، پس ملاک آن نیز عرف خواهد بود، مگر اینکه شارع اقدس در جایی دخالت کند و مقصود خویش را به صورت موردی و مصداقی بیان کند، چه در توسعه و چه در تضییق.

ه) علاوه بر اینکه اساس تشریع بر نفی عسر و حرج است، اصل (سهولت) در دین نیز یک معیار حاکم است که حتی در تعارض میان دو روایت، به عنوان یک مرجع مورد توجه است. شرع مقدس نه تنها برای سختگیری مشقت‌آور و به حرج انداختن نیامده، بلکه آسان‌گیری یکی از اصول آن است.

نهم: شاخصه کارآمدی فقه

یک اصل محوری دیگر در نوع نگاه اجتهادی و فقاقت فقهایی چون حضرت آیه الله العظمی صانعی که مبتنی بر بینش کلی و فقاقتی حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)، شکل گرفته، این است که وضع احکام شرع مقدس چه عبادات و چه سایر بخش‌ها به

این هدف است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها جامعه عمل پوشد و در عمل بر مناسبات فردی و اجتماعی آدمی حاکم گردد. شرع برای زمان یا مکان خاصی نیامده است. پس از یک سو، تشریع احکام، به هدف اجرا بوده است و از سوی دیگر فرد و جامعه باید بر اساس فقه به معنای وسیع کلمه اداره شود. و حتی اگر لزوم مدیریت فقهی جامعه مورد تردید یا انکار باشد، اما شکی نیست که احکام و مقررات شرعی، یعنی هر آنچه فقه به عنوان دستاورد خویش، پیش روی فرد و جامعه می‌گذارد، باید جنبه عملی پیدا کند. این نشان می‌دهد که احکام شرعی در ذات خود چنین قابلیت را دارا هستند و اجتهاد به مثابه یک روش - چنان که در آغاز تأکید شد - باید بتواند این قابلیت را نشان دهد. اگر قرار بود اسلام و شریعت فقط در اذهان و الفاظ بماند و اجتهاد ثمره‌ای عملی برای فرد و جامعه جز همان ثمرات علمی نداشته باشد، مشکل چندانی وجود نداشت، ولی اگر فقه، تئوری اداره انسان از گهواره تا گور است، آن وقت باید دید کدام اجتهاد واقع بین تر و عملی تر و بیشتر برای جامعه و جهان قابل فهم و پذیرش است.

شرع را باید در این سطح نشاند و نگریست که می‌خواهد جامعه بشری را کاملاً اداره و هدایت کند و فقه عهده‌دار ترسیم مقررات و احکام و وظایفی است که همه جوامع می‌خواهند به آن پایبند باشند و الا، لازمه آن همان خواهد شد که حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)، در پاسخ به یک برداشت نادرست، یادآور شدند که طبق آن برداشت «تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند».

بنابراین، یکی از شاخصه‌های اجتهاد جواهری که حضرت امام بر آن تأکید داشتند این است که، دستاوردهای فقهی آن بتواند در جامعه پیاده شود و با تمدن حال و آینده سازگار و در جهان کنونی قابل درک و دفاع باشد. ثمرات دیدگاه فقهایی چو حضرت آیه الله صانعی که از جمله در این مجموعه فقهی فتوایی، منعکس شده، تقویت نظریه کارآمدی فقه در اداره جوامع حال و آینده است، و این ثمره را نباید کم شمرد.

دهم: ویژگی این مجموعه

مجموعه‌ای که پیش رو دارید و در دو جلد سامان یافته، حاصل زحمات چندین ساله مجتهدی روشن بین و تواناست که در مکتب فقهی حضرت آیة‌الله العظمی امام خمینی (سلام‌الله علیه) رشد یافته و سالهای طولانی پای درس آن فقیه کم نظیر، تلمذ همراه با تحقیق نموده و بارها مورد عنایت ایشان قرار گرفته^۱ و اینک پنج دهه است که خود را وقف علم و فقاہت و خدمت به حوزه‌های علمیه و جامعه کرده است. گردآوری، بازنگری و تنظیم این مجموعه از میان چند هزار استفتاء، خود کاری طاقت‌فرساست که با هدف فراهم ساختن فرصت بهتر و امکان بیشتر برای استفاده از فتاویٰ حقوقی، جزایی و قضایی ایشان به ویژه توسط فرزندان حوزه قضا و قانون و کارشناسان امر صورت گرفته است، و چنان که پیداست محتوای آن بر اساس پرسش‌هایی شکل گرفته که نوعاً از سوی مقلدان و مراکز و کارشناسان و علاقه‌مندان به مسائل فقهی در سطوح مختلف علمی مطرح شده است. تفاوت پاسخها در اجمال و تفصیل و استدلال و استناد نیز نوعاً به سطوح مختلف سؤالات و سؤال کنندگان بر می‌گردد.

این مجموعه نزدیک به دو هزار استفتاء را در بر می‌گیرد که شامل سه بخش کلیات قضا، جزائیات و امور حقوقی می‌شود، که جلد اول شامل استفتاهای قضایی و جزایی می‌شود و جلد بعدی آن استفتائات امور حقوقی را در بر می‌گیرد. البته بخش سوم به تناسب ابواب مختلف فقه، بسی گسترده‌تر و پر مسئله‌تر از دو بخش دیگر است. طبیعی است با توجه به استمرار استفتاها، این مجموعه نیز در آینده گسترش خواهد یافت.

حضرت آیة‌الله صانعی تاکنون فتاویٰ متعددی را در زمینه‌های مختلف فقهی از جمله بخش قضا و جزا داشته‌اند که مورد توجه محافل مختلف قرار گرفته است و در این میان

۱. تعبیری که حضرت امام خمینی رحمته‌الله درباره معظّم‌له فرموده‌اند نشان می‌دهد آن بزرگوار، عنایت ویژه‌ای به مراتب علمی ایشان داشته‌اند: «من آقای صانعی را مثل یک فرزند بزرگ کرده‌ام. این آقای صانعی وقتی که سالهای طولانی در مباحثاتی که ما داشتیم تشریف می‌آوردند. ایشان، بالخصوص می‌آمدند با من صحبت می‌کردند و من حظ می‌بردم از معلومات ایشان، و ایشان یک نفر آدم برجسته‌ای در بین روحانیون است و یک مرد عالمی است» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۱).

برخی از آرای ایشان نیز محل بحث و گفتگوی شخصیت‌های علمی و مراکز حوزوی و دانشگاهی بوده است. صرف نظر از برخی داوری‌های غیر علمی که همواره در برابر دیدگاه‌ها و آرای تازه یا مخالف با انگیزه‌های مختلف وجود داشته و دارد، در طول سالهای گذشته هر چند اندک، برخی نظرات ایشان شاهد ارزیابی‌های عالمانه، در سبک و سیاق مباحث حوزوی بوده است که مایه خرسندی و مورد استقبال معظم له بوده و هست. در این مجموعه نیز در بخش قضا و جزا شاهد بخشی از فتاوای مورد توجه هستیم، از جمله: عدم شرطیت ذکوریت و اجتهاد در قاضی، تساوی زن و مرد در شهادت صحت و نفوذ شهادت غیر شیعه و اهل کتاب، تعریفی خاص از مرتد و شرایط اجرای حد آن، تساوی دیه مسلمان و غیر مسلمان، لزوم جبران خسارت روحی، حکم قتل غیر مسلمان توسط مسلمان، عدم قصاص مادر در قتل فرزند، تساوی زن و مرد در اجرای قسامه، و تساوی زن و مرد در استیفای قصاص.

از سوی دیگر این مجموعه به اقتضای نیازهای روز، مسائل و فروع بسیاری را در بردارد که مورد نیاز است و در مجموعه‌های مشابه کمتر می‌توان یافت. به عنوان مثال: مسئله مبادله محکومان به حبس میان کشورها، شرطیت بلوغ یا تمیز در مسئولیت کیفری، کارفرما در پرداخت دیه، سرقت اطلاعات سری و رمزار، نظریه کارشناسی در دعاوی، رسیدگی به جرایم ایرانیان خارج از کشور، مرور زمان در رسیدگی به دعاوی، تجدید نظرخواهی و دهها مسئله از این دست.

امید می‌رود این مجموعه که با تلاش چند نفر از شاگردان معظم له و در مدت چهار سال و بهره‌گیری از اساتید حقوق دانشگاهها و با اشراف و نظارت ایشان برای نشر سامان یافته، بتواند برای مراجعان در سطوح مختلف از جمله قضات محترم، حقوقدانان، و وکلا راه‌گشا باشد و گامی مفید در بسط فقه و رشد علم و کاهش مشکلات به شمار آید. از آنجا که تدوین این مجموعه در نوع خود، اقدامی نو به حساب می‌آید، جهت گسترش و ارائه هر چه بهتر این حرکت، انتظار می‌رود اساتید محترم دانشگاهها، حقوقدانان، وکلا و قضات گرامی، چنانچه در ارتباط با موضوعات مختلف حقوقی، مدنی، کیفری (جرائی) در مجامع علمی و قضایی با مسائل جدیدی برخورد نمودند، مزید امتنان خواهد بود در

صورتی که نسخه‌ای از آن را به این مؤسسه ارسال نمایند تا در مجلدات بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

به روح بلند فقهای بزرگوار شیعه بویژه روح ملکوتی حضرت امام خمینی درود می‌فرستیم و از خداوند تعالی حفظ و تقویت حوزه‌های علمیه و نیز سلامتی و طول عمر حضرت آیه‌الله العظمی صانعی را مسئلت می‌کنیم.

مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

اسفند ۱۳۸۳ - محرم الحرام ۱۴۲۶.